

نظام و کالت

و

ربط آن

با

تکلیف اخلاقی (۱)



دکتر احمد هومن

رئیس کانون و کالای دادگستری

نایب رئیس اتحادیه بین‌المللی و کالای دادگستری

نایب رئیس سازمان حقوقی آسیا و باختر اقیانوس کبیر

پرتال جامع علوم انسانی

از دیر زمان که حافظه را یارای حفظ آن نیست، در هر حرفه‌ای ضوابط کلی و سنت‌های یسندیده‌ای که مبتنی بر انصاف و انضباط و صفات حمیده، از قبیل جوانمردی، نیکومنشی و خیرخواهی بوده است، بسرور ریشد دوانیده و استقرار یافته‌است. این ضوابط مدون نیست، ولی مانند عرف و عادت قبول همگانی یافتند و مورد عمل واقع

1) Deonthologie .

گردیده است. تخلف از آن قواعد موجب بی‌اعتنایی و تحقیر نسبت بمرتکب از طرف همکاران و در صورت تکرار طرد او از سازمان حرفدای است.

نزد رمیها، یونانیها، ژرمنها برای کسانی که دفاع از دیگری را بعهده می‌گرفتند و یا مدافعات را نوشته بخواهان و یا خواننده در مقابل پاداش می‌دادند. اصول و قواعدی پیش‌بینی شده بود که آنها را کانون می‌نامیدند. سیسر و خطیب معروف (۱۰۶-۴۳ قبل از میلاد مسیح) کرازاً این قواعد را در سخنرانیها و گفته‌های خود تذکر داده است. هنوز هم در جوامع اروپایی ضوابط اخلاقی^(۱) مقتبس از آن سنت‌های پیشین است.

چند ماه پیش جراحی انگلیسی نامد به پزشکی دیگری در آلمان نوشته و از او خواسته بود، اگر بیمارانی محتاج عمل داشتند باشد، باو معرفی کند. نظام پزشکی انگلستان چنین نامدای را مخالف شئون پزشکی و نوعی تبلیغ تشخیص داد و جراح را برای مدت دو سال از شرکت در باشگاه پزشکان و معاشرت با همکاران منع کرد. در همان کشور يك وکیل دادگستری در طبقه ششم ساختمانی روی در دارالوکاله‌اش علاوه بر اسم و عنوان جمله متخصص در امور کیفری را اضافه کرده بود که مورد تعقیب قرار گرفت و علاوه بر توبیخ در مجله رسمی برای يك سال از آمدن به مجامع و باشگاههای اختصاصی و کلا محروم گردید.

در بادی امر شاید تصور شود که این قبیل مجازاتها قابل تحمل است. این قبیل کیفر برعکس فوق‌العاده و هن آور و ناراحت کننده است. این داغ باطله بد زن و فرزند محکوم هم سرایت می‌کند. آنها که عادت داشته‌اند، هفتدای یکی دو بار بیاشگاه برای صرف شام رفتند بادوستان خود معاشرت کنند، مجبورند از آمدن خود داری کرده در جاهای گرانتری تنها وقت بگذرانند و طبعاً ناراحت و ناراضی هستند.

1) Ethical Standard .

یکی دیگر از سنتهای استقرار یافته اینست که در باشگاه و اجتماعات مخصوصاً جاهایی که خانمها هم شرکت داشته باشند، کسی حق ندارد از شغل خود داستانرایی کرده مهربان، کاردانی و توانایی خود را برخ دیگران بکشد. جوانمرد کسی است که مطلقاً از شغل خود صحبت نکرده دیگران را با الفاظ نامانوس و اصطلاحات فنی خسته نکند و آنقدر هنر داشته باشد که با ظرافت و لطیفه‌گویی از هر دردی سخن بگوید و بی آنکه بخودش و شغلش اشاره کند، بتواند توجه مستمعین را بخود جلب نماید.

اینها نمودهای از قیود اخلاقی و اجتماعی و کیل در اجتماع است. اما تخلف از مقررات و عدول از سوگند با وسایلی که اجرای عدالت را بتأخیر بیندازد یا با سوءاستفاده از مقررات موضوعه اطالۀ کار را فراهم آوردن خارج از ضوابط اخلاقی و جزو گناهان نابخشودنی است.

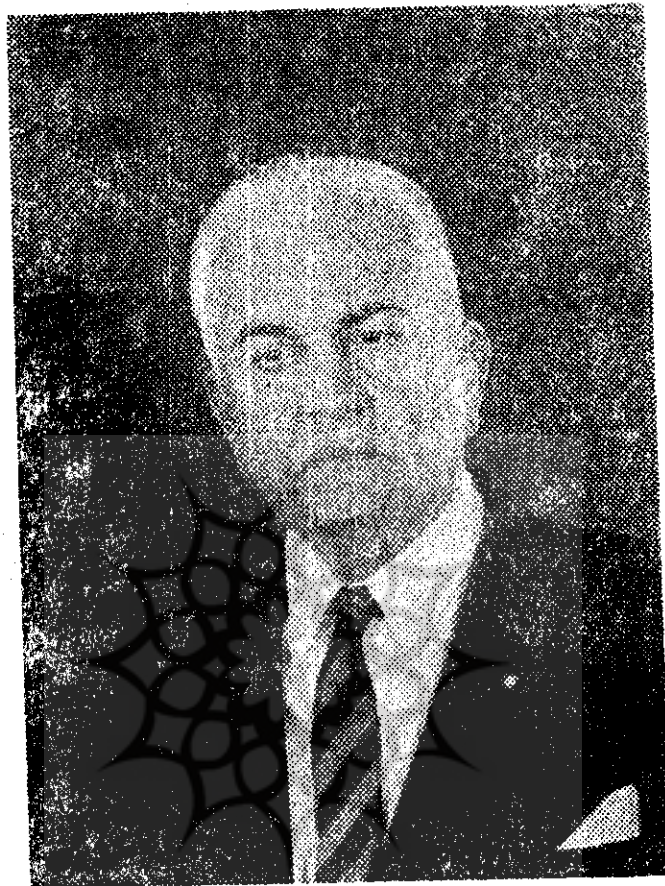
در کشورهای مرفعی وقتی در اجتماع برای وکیل آبرو و حیثیت و احترام قایلند که زوالی مؤدب داشته باشد و کسی نتواند باو ایراد بگیرد که خشن، زیاده‌گو، بی ادب و فحاش است. آنهایی که با سوء استفاده از مصوبات کارها را بتأخیر انداخته یا طرف را خسته و وادار بصلح می نمایند، جزو طبقه وکلا بحساب نمی آیند و بانهایت تحقیر و بی اعتنایی با آنها رفتار می کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همه می دانیم که عده‌ای بین ما هستند که کارهایی که بد نتیجه نمی رسد، قبول کرده با اقامۀ دعوی کیفری در موضوع حقوقی و یا دادن نشانیهای عوضی و ابلاغ نشدنی و یا صدور قرارهای تأمین صوری برای کوتاه کردن دست بستانکاران اصلی و انتقال آن سالها قاضی، وکیل و خواهانرا بیچاره کرده کوچکترین نتیجدهای هم برای موکل خود تحصیل نمی کنند. این قبیل مردم را در اروپا و آمریکا وکیل بحساب نمی آورند و ربه آنهایی که با دعوتهای نابجای بعضی از دادرسان و ارتباطهای ناروا با بعضی از مدیران

دفاتر کار قضاوت را فلج و مصنوعی کرده بحیثیت قضا لطمه وارد می‌سازند ، مخرب اجتماع نام می‌نهند .

متأسفانه شواهد و امثال زیاد است و کافی است کدبه پرونده‌های دادرسی انتظامی



پروفسور دکتر اخومن مطالعات فرسنگی

معتقد است ، تکلیف قانون بزرگ اجتماعی است .
در هر شرایط شخصی بایست تکلیف خود را انجام دهد ؛
اگرچه نتیجه نگیرد ؛ چه آنکه بدر می‌کارد ، همیشه
نمی‌درود .

و کلا مراجعہ کنیم تا بکار هایی که جنبهٔ افسانہ و داستان دارد ، بر بخوریم و تعجب
کنیم که چطور هنوز در اجتماع ما چنین علقه‌های هرزهای وجود دارند . اخیرا یکی از
شاکیان بمن اظهار می‌داشت ، شنیده بودم و کیلی هست که چاقو کشهای حرفدای در
اختیار دارد و چاک را پنج روزه وصول می‌کند . ناچار بهمان شخص مراجعہ کردم و قرار دادی
بستم الخ...

اکثر وکلا عقیده دارند که افرادی که بغلط اسم خود را وکیل گذارده و برخلاف سوگند کارهایی که مطلقاً منافی باشند و کالت است، انجام می دهند، شایسته این نام نیستند. ولی اظهار تأسف کافی نیست. تاروژی که ما نتوانیم عملاً جلوی این نابسامانیها را بگیریم و عذر کسانی که شایستگی واقعی این حرفه شریف را ندارند، نخواهیم، حق نداریم احترام و حیثیتی که وکلای دادگستری در سایر کشورها دارند، برای خود توقع داشتند. باشیم. در هیچ جای دنیا باعربده و داد و فریاد، روال غیر مؤدب و صدای خشن وکیل در دادگاه یا دادسرا و یا در اجتماع شرکت نمی کند و در هیچ جهنم در دای وکلا بجای منطق و استدلال قانونی بحربه های مبتذل حملات شخصی متوسل نمی شوند.

خوشبختانه عده این قبیل اشخاص زیاد نیست و غالب آنها در اثر بیماری و یا بضاعت مزجات و یا زیادت طلبی از راه ورسم عادی منحرف شده اند. ولی باز هم مانند انگشت ششم از دور و نزدیك زشت و بدنما جلوه می کنند.

نکته دیگری که تذکرش ضروری و مربوط بهمه وکلاست، این است که جزو خصایص اصلی وکیل واقع بینی و تماس با حقایق اجتماعی است. هر وکیل ضمن اطاعت از قوانین و مصوبات قانونی باید ژرف نگریستد و باتکامل جامعه همگام باشد. همه متوجه هستیم و اگر معدودی هم تا بحال توجه نداشته اند، باید معتقد باشند که در هر تحول و تکامل اجتماعی وکیل دادگستری نقش آشنا کردن مردم را بمقررات جدید و پیاده کردن و هم آهنگ کردن ابداعات و ابتکارات قانونی را با اجتماع ایفا می کند. هیچکس بهتر از وکیل دادگستری نمی تواند با قابلیت تطبیق و انعطاف لازم چنین نقشی را ایفا کند. آنهایی که درقبال تحولات و تکامل اجتماع بغلط و یا ندانسته و ناخود آگاه در خواب خرگوشی فرو رفته خود را هم آهنگ نمی سازند و بی تفاوت عمر می گذرانند، سخت در اشتباهند و نه تنها طرفی از این کار نمی بندند، بلکه مانع پیشرفت اجتماع و رفاه مردم هم می شوند و در نتیجه بزبان حرفه خود هم گام برمی دارند و باعث می شوند که احترام و حیثیتی که بحق بایستی وکلای جامعه داشتند

باشند، نداشته باشند، و بحق یا بناحق مردم آنها رافع طلب، خودخواه و مانع ترقی اجتماع بدانند.

همد می دانیم و در هر نقطه ای از کشور مسافرت کنیم، می بینیم و در جراید و مجلات خارجی اعم از اروپایی و آسیایی و آمریکایی می خوانیم که کشور ما بیاری خدا و درایت و کاردانی شاهنشاه آریامهر از صورت يك اجتماع عقب مانده فئودال خارج شده جزو جوامع در حال پیشرفت در آمده است. همه قشرها و طبقات اجتماعی از رفاه نسبی خوشبختانه برخوردارند و زنان که در هیچ حسابی بحساب نمی آمدند، امروزه دوشادوش مردان مانند همد جوامع مترقی انجام وظیفه می نمایند. کشاورزان، کارگران و خانواده های آنها مساوی با سایر طبقات دارای کار، مسکن، خوراک، فرهنگ، بهداشت و بیمه های اجتماعی شده اند. هیچ فرد منصفی نیست که از دیدن این طبقات و شادی و جنب و جوش زنان و فرزندان آنها خوشحال نشود و از جان و دل بکسی که مسبب و موجب این اصلاحات و پیشرفتها بوده است، دعا نکند.

بدیهی است که چنین پیشرفتهایی با اصول عادی و کهن نمی تواند انجام پذیرد و بایستی با روش غیر عادی و انقلابی قوانینی بتصویب برسد و برای رفاه عده بیشتری بعضیها هم محرومیتهایی تحمل نمایند و اصل عدالت اجتماعی، یعنی طریقه ای که اختلاف طبقات بکمترین حد خود برسد، در جامعه استقرار یابد.

حال اگر وکلای دادگستری باین واقعیت و جبر تاریخ توجه نکرده بجای همگامی و همکاری بخواهند سوء تعبیر کرده با سفسطه که چرا مثلا در بند سوم ماده فلان قانونگذار بدان گفت و بخواه نگفت را پیش بکشند، بوظیفه و کالتی خود عمل نکرده اند. انجام وظیفه و کالتی لازمداش آن نیست که برخلاف سیر زمان حرکت کرده مصوباتی که منافع اکثریت اجتماع را متضمن است، بغلط مورد ایراد و انتقاد قرار دهیم و بعثت جاوی تکامل اجتماع را بگیریم.

اینک مثال: وکیلی که بحمايت از مالک لوايح بخشنامه مانند بهمد مقامات

می فرستد و مدعی می شود که شورای سازمان اصلاحات ارضی کشور صالح نیست که واحد زراعتی را تعیین کند و یا آنکه معتقد است که اراضی موات اصلاً در کشور وجود ندارد و سازمان مسکن حق تعیین اراضی موات را ندارد و سومی که پس از صدور گواهی عدم سازش بسر دفتر تکلیف می کند که باید بر طبق مقررات قانون مدنی سوء معاشرت شوهر بحدی که زندگانی را غیر قابل تحمل سازد و یا بیماری صعب‌العلاج او و یا خطر جانی را برای زن متقاضی طلاق باثبات برساند تا بتوان صیغه طلاق را جاری نمود، هر سه بواقعیت روح انقلاب پی نبرده با تکامل اجتماع همگامی ندارند .

هیچکس نمی تواند برخلاف جریان عظیم شنا نموده عقربه زمان را بعقب برگرداند. وکیل دادگستری هم هر قدر فعال و پشت کار دار باشد ، باز نخواهد توانست برای اثبات منافع شخصی یک فرد نفع میلیونها نفر را نادیده بینگارد . تکامل و تغییر در اجتماع جز و مظاهر اراده خداوندی است و بقول آیتن سینکالر « مخالفت با تکامل اجتماع مخالفت با اراده خداست » .

خوشبختانه قاطبه وکلای دادگستری ایران جزو قشره‌های پیشرو و مرفقی کشور بحساب می آیند و از پیشرفت‌ها و ترقیاتی که بابتکار شاهنشاه آریا مهر در زمیندهای مختلف نصیب ملت ایران گردیده است ، قلباً خوشحال و مباهی هستند .

جناب آقای معاون محترم وزرات دربار شاهنشاهی در ملاقات با هیئت مدیره عنایات مخصوص شاهنشاه آریامهر را نسبت بقاطبه وکلای دادگستری ایران بیان فرمودند و اینکه خدمات این طبقه بجامعه مورد توجه مقامات مختلف مملکتی است ، اطمینان دادند و چقدر موجب مباهات و افتخار است که خدمات وکلای دادگستری در جامعه مورد عنایات و توجه شاهنشاه واقع گردد .

آرزوی قلبی همه ایرانیان است که خداوند وجود مبارك شاهنشاه را برای ملت ایران حفظ نماید تا بیرکت وجود معظم له همه خواستهای مردم بنحو احسن امکان پذیرد و ایرانیان سالم و مرفه شادکام و متحد مورد تکریم و احترام جهانیان باشند .

شك نیست که خواد ناخواه نظام و کالنی ما باید تغییر کند و تحت قواعد و ضوابط کافی مدون گردد . وظیفه ما و کالای دادگستری است که در کوره راهها که بگلهای اشتباه آراسته شده است ، معطل نشویم و با کار و کوشش و توکل بخداوند خود را با تکامل زمان همراه و همگام سازیم .



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی